چکیده

یکی از مشکلاتی که تاکنون بر فوادنا و در کشور ما به جا می‌گذارند، تعداد نهادهای شورای اسلامی است و اعتبار مصوبات آن نیز در گروه‌های انتخابی به‌طور ملی که این صلاحیت و تخصص زده است. شورای عالی مصوبات آن بر اساس نظر دیگر نقاط روبروی واقعیت است. مصوبات، مجمع تشخیص مصلحتی نیز صرفاً خود خود باید به جهت صلاحیتی است.

در عین حال، در کنار تأسیسات موردی که از نظر فروندان برخوردارند، ساختار حقوقی ما پیشرفت‌های مهمی که ان نیز مصوبات خود را در حکم فایل بررسی می‌شود. شورای عالی اداری و شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز مصادر این قبل نهادهای شورایی می‌شوند. در این راستا می‌توان به ناتوانی‌های مکمل حکومتی نیز اشاره کرد. پیشنهادی دیگری مانند تاکیدگان و صدر جمهور (موضوع اصل 127 قانون اساسی) در حل نهادهای فوق الذکر، قرار دادن که این کثرت مصوبات فارغ‌الذکر دامن زده است.

بدون تردید این تلفیق، استقراری از نظر در بهره‌وری حق جایگاه مصوبات هر یک از نهادهای مزبور و در سطح ایران مانع حقوقی معین گردیده نا در این تلفیق کاملاً شرود. مقاله پیشرفت صورتی عالی انقلاب فرهنگی را از همین زاویه نویسنده نموده و تلاش شده‌است. این نهادهای فوق ذکر درک نمی‌کند، منجر به شورای و چاپ‌گاه آن در تبلیغات اداری کشور مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش بیشتر به شورای عالی انقلاب فرهنگی با قوه‌منهی یا مداخله‌های اداری، دیوان محاسبات و شورای تکلیف قانون اساسی مورد باز نظر گرفته شده است.

نظر به اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی از نظر صنعتی اینکه گونگی شکل‌گیری و اعتباری که برای مصوبات، خود قابل است. و همچنین چنین می‌باشد که اینجا دو امر مانند یکی از اسرار مزبور و نهادی پیش از شورای عالی انقلابی را به همین خصوصیات تطبیقی می‌باید نیست، لذا در تدوین این تلفیق صرفاً از نظر حقوقی و مبتنی بر اصل قانون اساسی؛ قوانین عادی و مشرکت‌های مزبور و همچنین مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی استفاده شده است. که محدودیت این است و آثار حاصل از نهایت تحلیل نموده است.

واژگان کلیدی:

مؤسسه دولتی، سند انقلاب فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس خبرگان قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، قانون اساسی، دیوان عدالت اداری، شورای تکلیف.

عکس‌های علمی دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
پایبندی به جامعه مردم سالار، در پرتو بذریش همة آثار ناشی از حکم‌های مردم بر سرنوشت اجتماعی خویش و رده‌بندی نموده‌ای می‌سر می‌انست که با حکم‌های مردم بر سرنوشت اجتماعی خویش ۱۳ اشتهی ندارد. منشی پایبندان به جامعه مردم سالار آن گونه است که این حکم‌های را ضرورتی طبیعی بر می‌شمرند و مطرحیکه، تمامی نهادهای حکومتی را در پرتو آن معنی می‌کنند. این ضرورت، حق طبیعی قانون‌گذاری از سوی مردم را که اعمال آن در هیات‌های مجلس قانون‌گذاری بزرگ می‌گردد، به‌مثابع بر می‌شمرد؛ بعضی صلاحیت وضع قانون را محسور در مجلس نموده و هیچ نهادی جر مجلس را محیط قانون‌گذاری نمی‌دازد. محدودی‌ای این حق را که مسئولیت تعبیری یکی‌که خود پایبندز و مؤثر حکم‌های مردم بر سرنوشت اجتماعی خویش است و مردم به منظور تدوین قانون اساسی اعضای آن را برمی‌گرایند ۴ تا در خط گسترن از سیستم استبدادی و به موجب احکام مندرج در آن قانون، در جهت سردرن سرنوشت مردم به هدست خودشان عمل کنند.

چنینچی یکی از نهادهای حکومتی در این حصر رخته ایجاد کدن، مشروحی قانونی مصوبات آن به موجب قانون اساسی مردی داده می‌گردد. در این میان چنین چنین نهاد نگهبان قانون اساسی نیز در مواجکه با این نهاد قانون‌گذاری غیر قانونی، به انفعال دچار شود، حرم‌ت، تقدس قانون زایل و استفاده مناسبی بین دارنده‌ان اصول حق حکم‌های و حکومتی مبدل به بی اعتمادی خواهد شد و قدرت عمویی؛ بعضی حکومت در پس این بی اعتقادی اقبال عمومی را که شرط حققانتی است در معرض برخی خواهد دید. زیرا به اصل مشروحی نهادهای قانون‌گذار و فاقد نامانه است. در هر سیاست‌پذیری بی اعتقادی خود مودن ترس است و این ترس منتفی‌الا دانسته قدرت عمومی، مردم می‌شود. اگر قدرت عمومی خود را نیاپدازدار بینند، برای اجرای قانون ناجار است نوست به پیروها انتظامی را در دستور قرار دهد. به این منظور که میان انسان و حکم‌های این رابطه دوگانه و حضور منطقی وجود نداشته باشد، ضروری است که حکم‌های از روزی کمال آزادی از دست خواهد. ۱ در نظام جمهوری اسلامی ایران، خبرگان قانون اساسی که از سوى مرسوم برگزیده شدند، به عنوان فرد مؤسس عمل نمودند.
۲ اصل ۳۱ مجلس شورای اسلامی در عموم مستند در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.
۳ مقدمه قانون اساسی، شورای حکومت در اسلام، پاره‌وگرف‌سوم.
جاياگاه قانونی شهری علیه انقلاب فرهنگی و مرتبی مصوبات آن / ۲۱۵

و با احترام و عشق صادقانه مورد قبول و اطاعت قرار گیرد. از آن زمان هك تهدیدها و سختگیریها شروع می شود و به قدر علم می کند، و انسانها از حاکمیت می ترسند؛ حاکمیت که می تواند بر آنان ضربه وارد گردد. و در مقابل، حاکمیت نیز از انسانها می ترسد؛ انسانها که می توانند دست به شهرش بزند.

در این نوشته به نهاد شهری علیه انقلاب فرهنگی را در معرض تأمل می نماید؛ یک نهاد که مردم آن را به عنوان نهاد قانونی می خوانند، اما این نهاد اوامر و نواحی خود را در حکم قانون فرض نموده، جامعه را به اجرای آنها فرامی خواند و به این ترتیب، بر حصر قدرت قانونی در مجلس شورای اسلامی خلل وارد می سازد و علی رغم اینکه مهارت عمومی دیوان عدلناهادی با استناد به ماده ۲۵ قانون نشکل آن دیوان مصوبات این نهاد را به عنوان تصویب نامه و آین نامه دولتی قلمداد نموده (هرچند که دیدگاه این مرجع به حفظ ورود تخصص بر حکم مندرج در زیر است ۱۲۸ قانون اساسی مبتنی بر حصر صدور تصویب نامه و آین نامه در هیأت وزیران و کمیسیونهای مشکل از صندوق وزیر مراد قرار دارد)، با این حال شورای علیه انقلاب فرهنگی همچنان به عنوان یک نهاد، صلاحیت قوة مقننه را به علیه هر جناد است. جهت تبیین این نهاد، ابتدا جایگاه قوة مقننه را در نظامهای سیاسی مبتنی بر ارادة مردم تحلیل می نماییم و سپس جایگاه قوة مقننه را در جمهوری اسلامی ایران به بررسی نهاده، پس از آن جایگاه شهری علیه انقلاب فرهنگی را تصور و سپس در عمل به تأمل می نشینیم.

فصل یکم

جاياگاه قوة مقننه در حكومتهای مردم سالار
پذیرش سیستم تفکیک قوا در یک نظام سیاسی مردم سالار تبعاتی دارد. در نظام سیاسی که به پندار تفاوت قوا یا جامعه عمل پوشانند و آن را در رأس قدرت چاپ دهد، لیکن تبعات آن را اکنون نمی تواند به عمل دریابد و به لحاظ اکنون با صورت و در یک محور، نظام مردم سالار به شمار نخواهد آمد. در حكومتهای مردم سالار قبل از هر چیز باید ناپای حکومت مردم بر خود، مردم پذیرش قرار گرفته باشد. این باور به این معنیست که اداره امور جامعه برای بازسازی ارادة مردم استوار گردد. این ارادة از طریق نمایندگان منتخب مردم که در مجلس قانونگذاری مستقرند، بارز
می‌شود. تفکیک قوا، این تبعات را دارد که مردم انرژی‌های را که خود اراده کنند به مجالس قانونگذاری گسیل دارند. تا در مورد نحوه اداره امور جامعه تصمیم بگیرند.

نظام قانونگذاری محترم‌ترین و مؤثرترین رکن در نظام مبتنی بر تفکیک قواست. در نظام مبتنی بر تفکیک قوا، قوا قانونگذاری قواعد رفتار را بپردازد، مبنی بر این قوا معمولاً آنها را به اجرا درآورد و قوا قضاییه بر اساس آنها قضاوت نماید. چنانچه در یک نظام مبتنی بر تفکیک قوا مردم نتوانند که را خود اراده مکنند، بر مبنای قانونگذاری بهناند و به این ترتیب دانه اعمال اراده آنان محدودگردد، یا اینکه نهادهای غیر از نمایندگان منتخب مردم نیز در امر قانون‌گذاری مداخله نموده، خود به قانون‌گذاری بردندند، تفکیک قوا فلسفه وجودی خود را از کف نهاده، از محتوی تبریک قدر.

آموزه قانون اساسی شلیم از حصر قانون‌گذاری در مردم است. پس مداخله‌های به‌نهاد غیرمنتخب در این امر که می‌باند در این حصر است، با آموختگی و برداشتهای رایج در قولاین اساسی فتی ندارد. در چنین وضعیت احتمالی آثار و تعاب سیستم تفکیک قوا انکار و غایت و هدف آن به دیگر سو نهاده شده است. وقتی که اساس تفکیک قوا در قانون برتر؛ معنی قانون اساسی در جر شده، آثار و تعاب آن باشد در عمل آشکار شود و اگر این تعاب نمایان‌گردد، مفهوم آن این است که حکومت، برتری قانون اساسی را تاب نیاورده و مردم را از حق حکومت بر خود محروم ساخته است. در این وضعیت نمی‌توان از تفکیک قوا و حاکمیت مردم - که اوصاف اصلی جامعه مدنی است - می‌گفت.

نتیجه اینکه چنانکه کشوری دارای قانون اساسی باشد و در آن قانون سیستم تفکیک قوا پذیرفته شده و قانون‌گذاری در انحصار قوا مکنن قرار گرفته باشد، هیچ نهادی حق مشارکت در امر قانون‌گذاری را نخواهد داشت و مصوبات هیچ نهادی غیر از قوا مکنن قعله رفتار وضع نماید و نام قوا رفتار چنین نهادی را بتوان به عنوان قانون قلمداد نمود، در واقع با بایگانی که چنین کشوری فاقد قانون اساسی به شمار آمده و به تبع آن سیستم تفکیک قوا نیز در آنجا پذیرفته نشده است و نهاد واضح قاعدة رفتار نیز قوه مکنن نام نخواهد داشت.
جاکه قانونی شورای عالی انتقال‌فرهنگی و مرتبطه مصوبات آن / ۲۱۷

جاکه قوّه مقتنع در نظام جمهوری اسلامی ایران

مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بخشی که به توصیف فشیوه حکومت در اسلام، برداخته، مطالبی را مقرر نموده که بیانگر نگرشی روحانی از قانون اساسی است. در این بخش مقرر گردیده:

«حکومت از دین‌گاه اسلام، برخاسته از موضع طبیعی و سلطه‌گری فردا یا گروهی نیست، بلکه تحلیل آرمان‌های ملی همکار و هم‌فرکار است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحوّل فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید.»

همچنین در ادامه این بخش مقرر گردیده:

... قانون اساسی تضمین کندن‌های هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحراف اقتصادی است، و در خط کشتن از سیستم استبدادی، و سپرد سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند.

می‌کند...

متوان فرآیند می‌دارد که اداره امور نظام جمهوری اسلامی، با‌ید بر مدار قانون اساسی گردش کند و این قانون باید در جاکه واقع خود مستقر گردد.

از سوی دیگر، قانون اساسی نیز می‌بیند این است که نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی است مردم سالار و به این اعتبار حاکمیت ملت در مفهوم واقعی و اصولی آن در این نظام پذیرفته شده است اصل مزبور تلفیقی هوشمندی‌های از مفهوم حاکمیت را ارائه می‌دهد. در این اصل مقرر گردیده:

«حاکمیت مطلوب بر جهان و انسان از آن خداست و هم‌اوازای انسان بر سرنوشت اجتماعی خوشین حاکم سابقه است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فردی یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خدادراد را از طریقی که در اصول بعد می‌آید، اعمال می‌کند.»

حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خوشین در ادیبات راهی در علوم حقوق توصیف کاملی از جامعه مدنی است. که در این اصل با بار عقیدتی مندرج در آن غنای کم نظری به آن

اعطا شده است.

۱) ذکر این نکته در انجا ضروری است که برداشت‌های مندرج در این نوشته با هدف کلی مستقر در نوشتر مطابقت داشته شده است. نتیجه این برداشت‌ها بتوانه به آن هدف کلی دست یافت. این ذکر از آن‌جا ضروری می‌باشد.
متن قواعد حاکمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استخراج نمایانگری می‌باشد که از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همان روند متفقین در جایگاه خروج قرار دهند. هر یک از قوانین اساسی مشترک در منطقه کشور ایران، عضو مجلس شورای اسلامی می‌تواند به صورت مستقیم یا به‌وسیله رای‌دهی به‌طور جداگانه یا میانگین آن را در معرض جالش جدید قرار داده است؛ به غوناها که عضویت در مجلس شورای اسلامی می‌تواند نماینده‌های منطقه خروج را مختص در این دوره محدود کند که خود به‌طور مفصل و جدی‌ترین را می‌طلبد.

اصول 75 مقرر می‌دارد:
"قانون اساسی جمهوری اسلامی است که از نماینده‌گان متحکب مردم تشكیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرای به قوی مجری و قضاییه ابلاغ می‌گردد.

و اصل 71 مقرر می‌دارد:
"مجلس شورای اسلامی در عمر مسنوس در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

مسئولیت مجلس شورای اسلامی در وضع قانون، منصوب به سه وصیت "عمومیت"، "مبانی" و "اختلاف" است که این معاوضه را از یک سو جز نصوص صریح قانون اساسی، هیچ مرجعی صلاحیت به زیر سوال کشاندن توان قانون‌گذاری مجلس دیریگری موضوعی رانده‌اند و مجلس شورای اسلامی می‌تواند هر آنها را در دایر قرار دهد که در باید آن به وضع قانون پردازد، و از سوی دیگر، این مسئولیت به شرافت مباشته آن است، به این معنی که جز درخصوص قوانین آزمایشی که مجلس می‌تواند اختیار وضع آنها را به کمیسیون‌هاي است. که این فرضیه می‌تواند موضوع مسالمت‌آمیز و عمیق قرار گیرد تا دو انجام معاوضه تألیف و آنها نیست.
جاگاه قانونی شورای عالی انتخابات فرهنگی و مرتبه مصوبات آن / 219

داخلی خود تفویض کند و غیر از اساسنامه‌های سازمانها، شرکتها، مؤسسات دولتی یا رادیه به دولت - به منظور اجرای تصویب آنها را به کمیسیون‌های ذیل رییس و یا دو جهت و اگذار کند

- تصویب اختیار قانون‌گذاری به هیچ شخص یا هیأتی پذیرفته نیست.

همچنین، غیر از موارد که قواعد متصل به موجب نصوص قانون اساسی، مجلس را مکلف به وضع قانون در موارد معینی نموده، هیچ قدرتی نمی‌تواند مجلس شورای اسلامی را موظف به قانون‌گذاری در باب هیچ موضوعی بناماید. مجلس می‌تواند لوابی پیشنهادی دولت یا طرح‌هایی تقدیمی از جانب نماینده‌گان را تصویب نموده، به صورت قانون درآورد و یا آنها را رد کند و یا تصویب آنها را بعد موکول نماید و یا هرگونه تغییری را که خود اراده کند، بر آنها وارد نماید.

قوه مجریه در هر حال مکلف است قوانین مصوب مجلس را به اجرا درآورد؛ هر چند لایحه که خود به مجلس تقدیم نموده تا مدت به تصویب قانون گردید، بتوسط مجلس از بیخ و بن تغییر نموده باشد و این تغییر آن‌چنین گزارده و عمیق بوده که نیای قوه مجریه در تقدیم آن لایحه و ازگون شده باشد. قوته قاضیه‌ای نیز مکلف است بررسی قوانین مصوب مجلس به فصل خصوصی نبودارد.

این اقدامات برخاسته از حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی خویش است; به این معنا که مردم از طریق نماینده‌های منتخب خود در مورد طغوت جنگ‌های اداره امور جامعه بر ساخته‌گری خود تصمیم می‌گیرند و طبیعی است که جز اعضای جامعه، فرد یا گروه‌های طبقه‌خاص صلاحیت اداره امور آن جامعه را ندارند. به این علت اصل ۴۵ قانون اساسی، حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش، حقی است که ذات باری به انسان داده و به‌صورت مشخص، قوانین معیانی این حق الهی را انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروه‌های خاص قرار دهد؟ این که ذات باری این حق را به مردم عطا نموده، این مفهوم ساده و در عین حال بدیهی را در پی دارد که حکومت نمی‌تواند آن را از مردم سلب نماید، ولی اگر معتقد به این نکته شویم که این حکومت است که به انسان آزادی می‌دهد، یا نیمه پس‌بزرگی که هم اگر می‌تواند آن را پس بگیرد. خود از آزادی، آزادی نیست. تعیین راستی از آزادی و کرامت انسان این است که او جوی از این ارادة ذات باری، سرنوشت اجتماعی خویش را در دست دارد، به همین علت، باید اداره امور جامعه نهاده‌ای حکومتی را به موجب قانون اساسی ابتدای و از طریق تجدیدنظر در همان قانون آنها را الگو یا...
اصلاح می‌کند و در رأس این‌های نهاده‌ای را قرار می‌دهد که خود اعضای آنها را رابط می‌گردد و مصداق بارز و فرصت‌های این‌های نهاده‌ای را قوّته قانون‌گذاری قرار می‌دهد. بنابراین، هیچ‌نهاد دیگری حق مشارکت با قوّته قانون‌گذاری، در امر وضع قانون ندارد، مگر آنکه به موجب قانون اساسی مردم حقی را به آن نهاد داده باشند.

این ادعا از نگرش قوّته به همین شکل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبلور یافته باشد، به‌ویژه در زاویه قوّته حقوقی صرف در معرض مجامع قرار گیرد و همانگونه که ذکر شد، تأکید نظرات استصنعی ایجاد شده توسط شرایط نگهبانی که تحت پوشش تفسیر اصل 99 قانون اساسی ایجاد شده، مصداق چنین ماجراهای است.

لیکن محور این نوشته، مصاحبه علمی در مورد مشارکت نهادی در امر قانون‌گذاری است که نه تنها به موجب قانون اساسی ابتدای تغییردیگر، بلکه مردم -چه به طور مستقیم و چه به طور غیر مستقیم- از طریق نمایندگان خود در قوّته قانون‌گذاری، به‌ویژه آن را به‌نیازه‌نام‌های شرایط و حیات قانون‌گذاری، به‌ویژه منطقی را که در قانون اساسی پیش‌بینی شده در معرض تهدید قرار داده، جایگاه واقعی قوّته قانون‌گذاری را می‌دارد می‌سازد و اصل 56 قانون اساسی را از محتوای محرمان و مقدس خود تهی می‌کند.

فصل دوم

چاپگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی

زهیمنه‌های تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی

زهیمینا اولین تشکیل شورای مزبور به پیام مورخ ۲۳ خرداد ماه ۱۳۵۹ آیت الله خمینی(ره) بررسی گردید. بنابراین تنش‌های ناشی از فعالیت تشکیل‌های دانشجویی مختلف نظام در دانشگاه‌ها و مقاومت‌های گروه‌های دیگر با آنها در سال‌های آغازین قرارداد نظام جمهوری اسلامی و حذف گروه‌های مختلف جویی ملتهب به وجود آورده‌که و این مراحل حساسیت حکم گرفته‌اند. ساخته‌بود. بنابراین برای پیام‌های نام‌شده شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در مصوبه مرتبط با موضوع به تصویب رسانده‌ود. یکی لیست قانونی شورای عالی آموزش و پرورش مصوب ۲۷ بهمن ۵۸ و گزینه‌ی لیست قانونی تشکیل شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی مصوب ۱۳۵۹. در این فاصله آیت الله خمینی(ره) به دلیل التهاب دانشگاهها به طور مرتبت ۱۲۴ ارائه‌بست. ۱۳۵۹. در این فاصله آیت الله خمینی(ره) به دلیل التهاب دانشگاهها به طور مرتبت ۱۲۴ ارائه‌بست.
دراستاردهای دانشگاه به‌خویی ظاهر می‌شود که جز معمولی معتمد و مؤمن که علی رغم خواست دانشگاه‌ها در خدمت کشور و اسلام بودند، دیگران جز ضرر و زیان جزیر برای کشور ما به پاریس رفتند. این فاقد که مع الافس خواشت نگه داشته و همبسته به انجام است، ضرره به مهلک به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وارده خواهد کرد و تسامح در این امر حیاتی خیانت عظمی بر اسلام و کشور اسلامی است. بر این اساس، به حضور اقیانس محترم محمد جواد باهنر، مهدی ربانی املشی، حسن حسینی، عبدالکریم سروش، شمس آل احمد، جلال الدين فارسی و علی شریعتمداری مسئولیت داده می‌شود تا منابع تاریخی تشکیل دهد و از افراد صحبت‌های می‌باشد، مومن به جمهوری اسلامی دعوت نماید تا شورای تشکیل دهد و برای برنامه‌ریزی به رشته‌های مختلف و کاری فرهنگی آینده دانشگاه‌ها براساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده سازی استادیت شایسته متعهد و آگاه و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی اقدام نمایند...«

سناد انقلاب فرهنگی با پیام فوق تشکیل شد و شروع به فعالیت نمود و در طول فعالیت خود تا آذر ۱۳۶۳ به اقداماتی از قبیل: پارک‌های دانشگاه‌ها، تغییر و اصلاح محتوای برخی از کتب دانشگاهی، تأسیس چهار دانشگاهی، بررسی صلاحیت‌های علمی و صورتی سیاسی اعضای هیأت‌های علمی دانشگاه‌ها و تکمیل کادر هیأت‌های علمی، راه اندازی دانشگاه‌های جدید، انحلال...
برخی مؤسسات آموزش عالی و ادغام آنها و... دست پاژید.

در تاریخ مرداد ۱۳۶۱ هیأت وزیران لایحه را با عنوان "لایحه تشکیل شهرهای عالی انقلاب فرهنگی" به تصویب رساند و با قید بکه فوریت تقدیم مجلس نموده. مجلس در مورد این لایحه تصمیم گیری ننمود و ساتد بنچار همچنان کار خود را ادامه داد.

در نهایت، در تاریخ ۱۹ آذر ماه ۱۳۶۳ امام خمینی (ره) با صدور فرمالی تشکیل شهرهای عالی انقلاب فرهنگی را اعلام نمودند. در بخشی از این اعلامیه آمده است:

... اگر با دقت موضوعاتی که انجام بر ملت ما گذشته، اکنون می‌گذرد، حتی جنگ تحمل‌یابی سرچشمه از دانشگاه غرب زده و منحصرانه عصرهای و ساکتگی گرفته است. من به‌درباره مدتین انقلابی ام از استادان سیاسی و معلمان و علمای اسلامی و دانشجویان انقلابی موظفمند با هم‌کاری بدون غفلت از این مشکله به دانشگاه‌ها و مدارس و آنالکه هنوز خواب رژیم سابق را می‌پنداهند و روهی‌های فرهنگی شرق و غرب را در سرمای پروانده، اجازه ندهند که خارج از درس موظف‌خواهان به صبح‌های انحرافی به دادند و در صورتی که به‌نیشته بر آن‌ها ندیده‌اند، به شهرهای عالی انقلاب فرهنگی -که شکلل‌گیری است و انتخاب وظیفه‌هایی کنند، اطلاع دهد و باید بدانند با مسالمه در این مورد، جدیدی در دانشگاه‌ها و دیوارسانتها خط انحرافی نفوذ خواهد کرد و در پیشگاه خداوند مسئول مستند.

اینک براشکن از زحمات ستاد انقلاب فرهنگی، برای چه باری‌باری، شدن انتقلاب در سطح کشور تقویت این نهاد را از دهه سیزدهم. بدین جهت، علاوه بر کلیه افراد، ستاد انقلاب فرهنگی و رؤسای محترم قوا و سه، حجج اسلام آقای خامنه‌ای، و آقای اردبیلی و آقای رفسنجانی و همچنان جناب حجت‌الاسلام آقای مهدوی کنی و آقایان سید کاظم اکرمی وزیر آموزش و پرورش و رضا داوری، نصرالله... پورجوادی و محمد‌رضا هاشمی را به آنان اضافه نمود...

و به این ترتیب شهرهای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل گردید.

تأمل در جایگاه شهرهای عالی انقلاب فرهنگی در تشکیلات اداری کشور:

هر حاکمیتی صورتبندی مستقلی برای تشکیلات سیاسی خود تدارک می‌بیند تا از طریق کارکرد این صورتبندی، جامعه را اداره نماید. برخی از این صورتبندیها در قانون اساسی کشورها پیش بینی شده و برخی دیگر از طریق قوانین عادی مصوب مجلس قانونگذاری ایجاد می‌شوند.
و زیر نهادهای کم اهمیت‌تر، از طريق مصوبات قوه مجره شکل گیرند. به‌هر حال، ترددی
نیست که به‌ره‌پایی که جایی در صورتی که تشکیلات سیاسی کشور اشغال نموده،
بايد دليل و وجود خود را با اتأکا به اصول قانون اساسی، باه قوانین مصوبه قوه مقننه و را به
مصوبات قوه مجره مستند نماید. حال اين پرسش را می‌توان مطرح نمود که:

آیا پس از صدور اعلاميه مورخ 19/6/93امام(ره) مراجع صاحبه جايگاه شورای عالي
انقلاب فرهنگی را در صورتی که تشکیلات سیاسی جمهوری اسلامی ايران معيین نموده‌اند؟ و
آیا براساس قوانین موجود می‌توان جایگاه آن را در نظام اداری معيین ساخت؟

کنکاش و جستجو در اصول قانون اساسی مدلی می‌دارد که موجودت چنين نهادی در
قانون اساسی پیش‌بینی نشده است. مصاديق نهادهای پيش‌بين شده در قانون اساسی عبارتند از:
قوای سه گانه، مجمع خبرگان، رهبری شورای نگهبان، شوراهای قومی و انتظامی،
شورای عليا امین‌الملی و نهادهای زیرپارلمانی در قانون اساسی. ساير نهادها از قبیل: ديوان
محاسبات،
دیوان هدف‌سازی اداری، سازمان‌بازرسی كل کشور، نیز به‌ره‌پایی از قوه سه گانه متصدی می‌شوند. به

حال در قانون اساسی نمی‌توان جایگاه‌برای شورای عالی انقلاب فرهنگی باند.

جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظام اداری کشور پیش‌بینی نشده است.

صورت‌گیری نظام اداری کشور در قانون محاسبات عمومی (مصوب شورایborne ۱۳۶۶ مجلس
شورای اسلامی) تعیین می‌گردد. است. در این قانون نهادهای اداری به وزارت‌خانه، مؤسسه دولتی و
شرکت دولتی و... تقسیم شده است. به این ترتیب، باید به‌پایه این سوال‌ها پرداخت که آیا
شورای عالی انقلاب فرهنگی یک وزارت‌خانه است؟ یا یک مؤسسه دولتی و یا یک شرکت دولتی

است؟ و یا در دست‌ساختن سایر نهادهای قانونی قرار می‌گیرد؟

هر یک از نهادهای اداری یاد شده، ضمن موارد ۲ و ۳ قانون فوق، الذکر معرفی شده‌اند.

1. ماده ۲: وزارت‌خانه‌ای واحدهای سازمانی مشخصی است که به‌موجب قانون به این عوامل منصوبه شده و با‌پیوست
ماده ۳: مؤسسه دولتی و احدهای سازمانی مشخصی است که به‌موجب قانون ایجاد و زیرنظر یک از قوا سه‌گانه
اداره می‌شود و عوامل وزارت‌خانه‌نامه.

ماده ۴: شرکت دولتی و احدهای سازمانی مشخصی است که به‌موجب قانون به جامعه ایجاد شود و با‌پیوست
قانون و با‌پیوست صاحب مالی شده و به‌ویژه صاحب شده و به‌هیچ‌یک از قوا سه‌گانه
درسمی مشخص‌می‌شود. هر شرکت مجاز است از سوی بانک مالی و هم‌معنی‌ها به شرکت‌های دولتی ایجاد

شورای ماموریت‌های اجرایی فوق الذکر ضمن پیش‌بینی "ت، ث و ج" ماده ۱ قانون استخدام کشوری بی‌بیشی،

دست‌گاه‌های اجرایی فوق الذکر ضمن پیش‌بینی "ت، ث و ج" ماده ۱ قانون استخدام کشوری بر تعیین شده‌اند.
وجه مشترک واحدهای اجرایی فوقالذکر این است که به موجب قانون تشکیل شده‌اند. شورای عالی انقلاب فرهنگی فاقد این وجه مشترک است. نحوه‌ای اداره و اهداف ناشی از تشکیل واحدهای اجرایی فوقالذکر به گونه‌ای است که شورای عالی انقلاب فرهنگی را نمی‌توان در زمره آنها به شمار آورد.

یکی دیگر از اشکال سازمانی پیش‌بینی شده در قانون محاسبات عمومی بهداشت عمومی غیردولتی است. این نهادها نیز با موجب قانون ایجاد شوند. از سوی دیگر در اجرای تبصره ماده ۵ قانون محاسبات عمومی (مصوبه ۱۳۶۶) اساسی این نهادها تهیه شده و در تاریخ ۲۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. و نام شورای عالی انقلاب فرهنگی در فهرست این نهاد درج شده است. به این لحاظ شورای عالی انقلاب فرهنگی را نمی‌توان یک نهاد عمومی غیردولتی به شمار آورد.

دیگر اینکه آیا می‌توان تصویب نمود که شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمره نهادهای انقلاب اسلامی است؟

۵۹/۵/۲۵ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در تبصره ذیل ماده واحده مصوبه:

نهادهای انقلاب را به شکل زیر تعریف نموده است:

- نهادهای انقلاب به ارگان‌های اطلاعاتی می‌گردد که بنابر نیاز دوران بعد از انقلاب اسلامی ایران

- تصویب مراجع قانونگذاری به وجود آمده باشد.

ملاحظه انتخاب اعلام‌های امام خمینی (ره) در مورد شرایط انقلاب فرهنگی و شورای عالی انقلاب فرهنگی مدل منظر دارد که این نهاد بنابر نیاز دوران بعد از انقلاب اسلامی ایران و

این تعیین با تعاریف فوقالذکر اختلافاتی دارد که ورود به آنها ارتباطی به بحث ما ندارد.

۱- ماده ۶: مؤسسات، نهادهای عمومی غیردولتی از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با حاکمیت قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جبهه عمومی دارند، تشکیل شده و با ما شونده.

ب) فهرست این فیل قانونی و نهادهای آن با توجه به وزارت وزارت و مقررات مربوط از طرف دولت بیشتر و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

در تاریخ ۱۹ /۳ /۱۹۷۳ قانون فهرست نهادهای مؤسسات عمومی غیردولتی به تصویب مجلس رسیده است و

عبارت‌اند از:

۱- نهادهای و شرکت‌های نابود آنان ماده که بیش از ۵۰٪ بهره‌ای آنان متعلق به شرکت‌های بانکی؛
۲- بنیاد مستضعفان و جانبازان;
۳- هلال احمر;
۴- کمیته امداد;
۵- بنیاد شهید;
۶- بنیاد صنعتی;
۷- کمیته علمی المپیک;
۸- بنیاد خرداد;
۹- سازمان تبلیغات اسلامی;
۱۰- سازمان نامه‌نگاری اجتماعی.
جاگه‌های قانونی شورای عالی اتاق‌الفنون و صنایع فرهنگی و مرتبطی مصوبات آن / ۲۲۵

ضرورت‌های ناشی از آن به وجود آمده، لیکن مراجع قانون‌گذاری اعماق از شوراهای اتاق‌الفنون با مجلس شورای اسلامی پس از صدور اعلامیه آماده (ره) ایجاد آن را تصویب نمودند و به همین لحاظ تحت شمول ماده واحده فوآق ذکر قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، بنابر تعیین فوق شورای عالی اتاق‌الفنون فرهنگی را نمی‌توان در دست‌بندی نهادهای اتاق‌الفنون قرار داد.

با این حال، ترددی نیست که شورای عالی اتاق‌الفنون فرهنگی واحد سازمانی مشخص است که پس از ایجاد روندهای اتاق‌الفنون براساس ضرورتها و نیازهای آن و نیازهای خمیشی (ره) ایجاد گردد دست و از بودجه کل کشور ارائه می‌نماید.

این تصویب یک واحد سازمانی از بودجه عمومی ارائه نماید، لیکن جایگاه قانونی می‌تواند را تاب نیاورد. پذیرشی نیست، زیرا ارائه از بودجه کل کشور، نظرات بر نحوه هزینه نمودن آن با راه‌آوری در مورد عبارت‌ها گزارش و دستیابی به مالکیت یا به عباراتی اموال و دارایی با مقررا یا در صورت مشاهده حیف و میل دارایی اخبار، تمام آن را تحت پیگرد قرار دهند، همچنان که دیوان محاسبات به‌رغم نامعلوم به‌ون دانگیز قانونی شورا در قانون محاسبات عمومی مشاهدة اعتبارات آن نظرات می‌نماید. این ضرورت از عینیت جایگاه‌اندی این شورا در نظام اداری و تشکیلات سیاسی کشور از آن به می‌سازد. اصل ۱۲۵ قانون اساسی این الزام را این شکل تصویر می‌نماید:

دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاههایی که به نحوی از انجاان از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجوه در محل خود به مصرف رسیده باشد.

همچنین به موجب اصل ۱۲۶، دیوان محاسبات کشور مستقیماً مرجع مجلس شورای اسلامی است؛ به این معنی که مرجع توسط نماینده‌گان خود در مجلس شورای اسلامی و از طریق دیوان محاسبات بر جوگانی هزینه نمودن اموال و دارایی‌ها خود نظرات می‌نماید. حق نظرات
مردم بر هر یک از انواع دستگاه‌های اجرایی می‌توانند این حق مورد را شکنده دارند. اینی این که هنگامی که نظرات مربوط به تعیین نوع یکی از انواع دستگاه‌های اجرایی فردی علی این اقلاب فرهنگی است. آیا می‌توان یکی از اقلاب‌های ذکر شده در قانون محاسبات عمومی جای داد؟

قانون محاسبات عمومی خود به این پرسش پاسخ داده است. تبصره ماده 130 قانون مربوط مقرر می‌دارد: «نهادها و مؤسساتی که در جریان تحقق اقلاب اسلامی و یا پس از آن با به ضرورتهاي اقلاب اسلامی به وجود آمده و نیاز آنها را بر یکسانی از اعتبارات مورد تبادل خود را مستقیماً از مردم دریافت می‌نمایند، در صورتی که وضعیت حقوقی آنها به موجب قانون معین نشده باشد، مکلفند خود را به مدت مفروض در این ماده وضع حقوقی خود را یکی از موارد 12، 13 و 14 قانون تطابق دهد.»

 ضمن ماده 130 مدت یک سال جهت تطابق وضعیت این نهادها با یکی از انواع دستگاه‌های اجرایی که در موارد 2-7 تعریف شده‌اند، مهلت قرار داده شده و در ذیل ماده مقرر گردیده: «... و یک تبعیض این فرض مسئولیت دولتی محسوب و تابع مقررات این قانون در مورد مؤسسات دولتی خواهد بود.»

با ملاحظه مقررات قانونی فوق الذاکر و با پذیرش این امر که استفاده از اعتبارات بیشینه شده در بودجه کل کشور که در این موارد است - نظرات بر نحوه هزینه آن را ضروری می‌سازد، می‌توان به این ترتیب رسید که شرایط عالی اقلاب فرهنگی جانشین تا تاریخ 16/17/69 (نام‌آوری اجرای قانون محاسبات پاندزه روز پس از نشر آن؛ یعنی از تاریخ 31/6/69 است) یعنی یک ماده پس از اجرای قانون مربوط وضع حقوق را یکی از موارد 12 تا 14 تطابق نموده باشد، خواهد ناخواهند مسئولیت دولتی به شمار می‌آید.  

با این حال، این استناد در صورتی صحیح خواهد بود که شورا تحت نظر یکی از قوانی گذشته‌ای عمل نماید، این امر از ماده 3 قانون محاسبات عمومی که مسئولیت دولتی را تعریف نموده،
اقتصادی می‌گردد. بنابراین، این اصول این قوه قوه‌جی خواهد بود و در این صورت شورای اجلاسی تحت نظر وزیر فرهنگی و آموزش عالی قرار گیرد؛ حال آنکه عامل‌رئیس شورا، این احتمال را دور از دسترس می‌نمایاند.

آرای هیأت عمومی دیوان عدلات اداری راجع به ابطال مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی که مستند به ماده ۲۴ قانون دیوان عدلات اداری صادر شده، جلالشاهی دیگری را فراهی ماهیت حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار داده است، که آثار آنها جایگاه قوای سه‌گانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این آرا می‌تواند ترتیب مصوبات شورای عالی مربوط به تصویب نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی است، که چنین نگرش به‌کلیه مندرج در اصل ۱۳۸ قانون اساسی مبتکر بر حصر صدور تصویب نامه و آیین نامه در تاثیر وزرائ و کمیسیون‌های مشترک از کنار وزیر مقایسه دارد و این امر جالش حقوقی دیگری را طرح می‌نماید.

فصل سوم

پروسی صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی و آثار آن در نظام حقوقی

در ابتدا این نوشتر شرکتی برحسب محدوده بودن حق قانون‌گذاری در مردم به عنوان تشكیل دهندگان جامعه مدنی نگاشته شد. همچنین کرایت قوای قانون‌گذاری، تحلیل شد و برابر بودن نیز نظام قانونی با دخالت نظام‌های تأکید صلاحیت در امر قانون‌گذاری توجیه گردید. در ادامه مطالب پیشین، جایگاه قوای مفاهیم در قانون اساسی نیز تحلیل شد. حال در این بخش از نوشتر به توصیف مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌پردازیم. جان کلام در این بخش از نوشتر این است که شورا صلاحیت خود را به‌جهت وضع مقرره چگونه کسب نموده است؟

نگاهی کنی به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی مدل می‌دارد که این شورا با اصل حاکمیت مدرم بر سر نوشت اجتماعی خویشی که وجد باز آن اجرای جامعه از طریق ارادة مردم است - مدارک نمایند، زیرا در حصر صلاحیت تصویب قانون در قوه مقتنع خلل وارد نموده و به این ترتیب اصل اجرای جامعه بر مدار ارادة مدرم را مورد هم نماید.

حال به مبحث اول می‌پردازیم:
الف - بررسی صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت وضع قانون قبل از ورود به بررسی چگونگی کسب صلاحیت وضع قانون توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی ضروری است که صلاحیت ستاد انقلاب فرهنگی در این باب مورد تأمیل قرار گیرد.

آنچه که از پیام مورخ ۲۳/۹/۵۹ امام خمینی (ره) متبرکه به ذهن می‌گردد، این است که صلاحیت ستاد محصور در برناهای ریزی، رشته‌های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاه‌ها بر اساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده‌سازی سازمان‌های شاخص و فعال و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی است. اعمال این صلاحیت‌ها می‌توانند بخورداری از صلاحیت وضع مقررات نیست. شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز ضمن مصوبه‌ای که در جلسه خانم (مروخ ۲۷/۹/۵۳) مقرر نموده که:

... در صورتی که ستاد و وزارت فرهنگ و آموزش عالی در خصوص مسایل‌های اختلاف نداشته باشند، تصمیمات لازم اتخاذ و به اجرای آنها رها شود.

مفهوم این مصوبه این است که در صورت مخالفت وزارت فرهنگ و آموزش عالی با مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی، مصوبات مؤثر قابلیت اجرایی نداشته و در نتیجه، ستاد فاقد صلاحیت جهت تصویب هرگونه مقرراتی حتی در سطح آینامام و ابضخارجی وزارتی اجرایی است. مسئولان قوه مجری نیز ستاد انقلاب فرهنگی می‌پذیرد جهت دخالت در امور اجتماعی به شمار نمی‌آورند و تأکید داشتند که ستاد در امور اجتماعی دخالت ننماید. لیست، در دوران فعالیت ستاد، اعضای آن جهت کسب صلاحیت اتخاذ تصمیمات اجرایی به امام (ره) مراجعه می‌نمودند و امام (ره) نیز به رسمیت و قانونی بودن ستاد تأکید می‌فرمودند، لیکن به‌هر حال ستاد انقلاب فرهنگی هیچ‌گاه صلاحیت اتخاذ تصمیمات اجرایی را کسب نموده‌با این معنی که تول امام (ره) دایر بر رسمیت بودن ستاد و قانونی بودن آن به معنی صلاحیت آن برای وضع قانون تفسیر نمی‌گردد.

حال به‌تأمیل در مورد نحوه کسب صلاحیت وضع قانون توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی پردازید.

مقایسه بین نرمان مورخ ۲۳/۹/۵۹ امام (ره) در مورد تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی با نرمان مورخ ۱۹/۹/۵۳ در مورد تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی نشان می‌دهد که وظایف شورا...
همان وظایف ستاد است. در واقع، تشکیل شورا به هدف تقویت ستاد اقلام فرهنگی به منظور
 Corona Virus تنها افراد و اقلام فرهنگی در شورای عالی اقلام فرهنگی ابقاکریتند و افراد دیگری نیز به
 آنان افزوده شوند. بنابراین، شورای عالی می‌بایست همان اهداف ستاد را تعیین می‌نمود. با این
 حال، افراد افزوده شده به اعضای اولیه ستاد، از ترکیبی برخوردارند که می‌توان تقویت ستاد است،
 یعنی هدف از تبدیل ستاد به شورای عالی تقویت ستاد بوده است.

در هر حال، پس از تشکیل شورا عالی در خصوص ضوابط و قواعدی که شورا ناچار از
وضع آنهاست، استفتایی از امام خمینی (ره) به عمل آمده. پاسخ این استفتایه مستند
شورای عالی جهت یکپارچه‌سازی، از صلاحیت جهت وضع قانون قرار گرفت. متن پرسش
که از سوی آیت الله سیدعلی خامنه‌ای مطرح گردید، به شرح ذیل است:

محضر مبارك رهبر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مصداق الالب شوروای
عالی اقلام فرهنگی برای تأمین اهداف و مسئولیت که در حکم حضرت اعلی بدان تصمیم شده،
ناظر است ضوابط و قواعدی وضع کند. همکاری و دخالت قوه قضایی در موارد لزوم منوط به
آن است که مصوبات شورا دارای اعتباری در حق قانون باشد، مستندی است نظر شریف در این
باره را ابلاغ فرمایند.

پاسخ داده شده به شرح زیر است:

ضوابط و قواعدی را که شورای محترم عالی اقلام فرهنگی وضع می‌نمایند، باید ترتیب
آثار داده شود.

۱۶ اسفند ۱۳۵۳

روح الله الموتی نامدار

شورای عالی اقلام فرهنگی معتقد است که پاسخ ملزم به آن شورا مصوبات آن را در
حکم قانون قرار داده است، حال آنکه پرسش مطرح و پاسخ آن چنین استنباطی را به دست
نمی‌دهد، زیرا:

۱. در آن تاریخ آیت الله خامنه‌ای نصیحت ریاست جمهوری و ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی را عهد داد

۲. نک م. اداره کل فرانسه و مقربین کشور، مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (۶۳-۶۷) ص ۱۶
آین دینگاه که بتوان مصوبات شورا را مشابه آرای وحدت رودهیآت عمومی دیوان عالی کشور با آرای وحدت رودهی آت دیوان عدالت اداری به شمار آورده نیز مردود است، زیرا از یک سو صلاحیت هیئت‌های فوق‌مندی به قانون است و از سوی دیگر، این قبیل آرای در صورتی صادر می‌شود که درخصوص قانون حاکم بر دعاوی مشابه، وحدت نظر وجود نداشت. باشد. به عبارت دیگر، این قبیل آرای صرفاً نماینده بر تعیین قانون صالح یا در این روز قانون یا دکترین یا فتاوی حاکم بر مورد در صورت سکوت قانون است، به تصویب قانون جدید بنابراین، جنجالی معتقد به تشیع آرای وحدت رودهی آت با مصوبات شورا باشیم، در واقع شورا را موظف به رعایت قانون نموده‌انم و توهم راجع به تردد مصوبات شورا با قانون را با پذیرش اصل حکومت قانون با مصوبات شورا زوده‌نام. در دیگر اینکه، پاسخ داده شده موجب اعتبار وضع مصوبه در حکم قانون به شورای عالی انقلاب فرهنگی نیست. به عبارت دیگر، حضرت امام(ره) در پاسخ، به برخوائش مطروحه بنی‌بر اینکه مصوبات شورا در اکثریت ابتدا در حد قانون باشد، موفقات نمو‌هاند. بلکه مقرر گردیده که به ضوابط و قواعد شورا ترتیب اثر داده شود. به دیهی است که ترتیپ اثر دادن به مصوبات شورا نافع رعایت آینده‌ای قانون‌گذاری نیست و در حکم ورود مخصوص به اصول قانون اساسی به سیالت تنی آید. می‌توان گفت که بحت به وزیر فرهنگ و آموزش عالی مصوبات شورا را به صورت آینه‌ای به خشکیه حرف‌بر ابلاغ نماید. به این مصوبات ترتیب اثر داده شده است. به موجب اصول متعدد قانون اساسی حق نام‌گذاری مخصوص در مجلس شورای اسلامی است و استثناها وارد به این حق (از قبیل صلاحیت‌های مجمع تشخیص مصلحت و شورای...
جالگاه قانونی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرتبه معنویت آن / 1361

علی امینی ملی) نیز به موجب نهایت قانون اساسی مؤثر گریزیده است. بنابرین پاسخ داده شده مؤید این معنی است که وزارت فرهنگ و آموزش عالی یا سایر وزارت‌های اقتصادی و دیگر وزارت‌های مالی، شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر است در صورتی که در نظر داشته باشند لایحه‌ای یکتیه به مجلس در هیأت وزیران مطرح نمایند، باید درخصوص آن با شورا تفاهم نمایند و همچنین شورای می‌تواند امری را که به نظر آن تازه به وضع قانون دارد، از طریق وزارت‌خانه‌ی دی و یک جریت به صورتی فراهم کند به هیأت وزیران تسلیم نماید. در صورتی که سال‌های درخصوص وظایف شورا در مجلس شورای اسلامی مطرح گردند، شورای می‌تواند با کمیسیون داخلی مجلس که به آن طرح می‌پردازد هماهنگی نماید. به همین‌یاد است امروز فوق محدودیت و وظایفی است که به عهده شورای نهاد، شده و در غیر موارد فوق شورا صلاحیت دخالت نخواهد داشت.

مورد دیگری که در این باب باید مورد اشاره قرار گیرد، نظر مورخ 19/1/63 شورای نگهبان در مورد تصمیمات ستاد انقلاب فرهنگی است. این نظر در پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده توسط نخست وزیر وقت صادره شده است. قبل از اشارة به موضوع باید آوری اگرگرده که افزایش تعداد اعضای ستاد و تغییر نام آن از ستاد به شورا صرفدا با هدف تقویت ستاد صبورت ذهبت و این امر ضمن یمام مورخ 19/1/63 حضرت امام(ره) با این عبارت ۵۳ آنکه به‌شکلی از زحمات ستاد انقلاب فرهنگی برای هر چه بار برکر یشان انقلاب در سطح کشور تقویت این نهاد را از دیدیم... مورد تأکید جوارگرفته است. به هر حال، نخست وزیر وقت سه برسخت برای شورای نگهبان به شرح زیر ارسال می‌نماید:

شورای محترم نگهبان

احتراماً، اخیراً ستاد انقلاب فرهنگی بدون مشورت با دولت تصمیماتی را اتخاذ و برای اجراء به دولت ابلاغ می‌نماید و سوالاتی در این رابطه برای دولت از قانون اساسی مطرح است:

1- آیا دولت الزامی برای تبیین از تصمیمات ستاد انقلاب فرهنگی دارد؟
2- آیا برای حفظ و حراست از این نهاد تا روشین شدن تکلیف در مجلس، دولت می‌تواند مسئولیت تابعی این تصمیمات را متوسط ستاد بداند، و با دادن بودجه لازم اجرای نهاد را نپذیرد به ستاد
3- پاسخگویی تصمیمات ستاد در مقابل مجلس کدام ارگان خواهد بود؟

میرحسین موسوی - نخست وزیر

شورای نگهبان پاسخی به شرح زیر می‌دهد:

بسم الله الرحمن الرحیم

جانب آقای موسوی

نخست وزیر متحترم

عطف به نامه شماره ۳۲۲۷/۱۹۶۱ نظر به اینکه ستاد انقلاب فرهنگی به موجب فرمان امام تشکیل شده و قانونی درباره طرح تشکیل و وظایف آن تأکید نشده است به کمیته است. این موضوع از جهت قانون اساسی مورد بررسی و امضا نظر قرار گیرد متقاضی است در این موضوع از مقرع معظم رهبری کسب تکلیف شود.

دبیر شورای نگهبان - لطفاً صافی

از پرسش و پاسخ مطرحه‌ای مطالب استنباط می‌گردد که:

۱: قوّه ماجری در مورد تبعیت از مصوبات ستاد تردید داشته است.

۲- قوّه ماجری مجلس را دارای صلاحیت جهت طرح سوال در مورد تصمیمات ستاد دانسته است.

۳- شورای نگهبان در صورتی به ماهیت حقوقی تصمیمات ستاد می‌پردازد که مجلس درباره طرح تشکیل و وظایف آن قانونی را به تصویب برساند.

۴- مجلس خبرگان قانون اساسی ضمن اصل ۱۱۱ قانون اساسی وظایف و اختیارات رهبری را نمودار و ایجاد یک نهاد قانونی تکذیر را که موازی با مجلس شورای اسلامی باشد در زمینه این اختیارات قرار نداده است. به این لحاظ باید متن پاسخ امام(ره) را که مصون قانون به شمار آوردن مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفته است - در پروپوزال فوق و تأکید امام(ره) بر حرمت قانون تفسیر نمود. در این صورت اصول حاکم بر تفسیر افق دارد که متن پاسخ امام(ره) در پروپوزال اساسی تفسیر گردد و در این صورت نیاز به اسنادی را تاب آورد که با قوّه مقننه موازی قرار گیرد. پذیرش نهادی موازی با مجلس شورای اسلامی بعثات و تولیه ناممکن در پی
خواهد داشت که در مباحث بعدی این نوشتار به آنها مورد ارزیابی گردید.

اغتشاشات ناشی از تردد مصوبات شهراب قانون
نمونه یکم: شهرای عالی انقلاب فرهنگی مصوبات خود را در حکم قانون برمی‌شمرد. شهرای
 ضمن مصوبه مورخ ۱۵/۷۷/۸۸ (جلسة ۶۷) خود اعلام داشت:
ه‌ه‌ها به دلیل رسماً و کتبی اطلاع داده شد که مصوبات شهرای عالی انقلاب فرهنگی در حکم
قانون است و وزارت اخلاقیاتی مختلف لازم است در مورد تأمین بودجه و مساعدتهای مورد نیاز
برای اجرای مصوبات و همچنین استفاده از اهتمام ورزند.

حال چنانچه مصوبه یاد شده در کنار اصل ۷۵ قانون اساسی قرار گیرد، روشن می‌گردد که
شهرای عالی انقلاب فرهنگی مصوبات خود را در حکم قانون، به‌کلی برمی‌شمرد، زیرا بموجب این اصل مجلس شهرای اسلامی نیست و توانده طرح‌خواهی قانونی و پیشنهادها و
اصلاحاتی را که نماینده‌گان در خصوص لایحه قانونی عنوان می‌کنند و به‌طور خصوص هزینه‌های عمومی
می‌انجامد، مورد رسیدگی قرار دهد؛ مگر اینکه در آن نجوم تأیید هزینه‌های جدید معلوم شده باشد،
حال آن اینکه تأمین بودجه و استفاده اشخاص هر دو مستلزم افزایش هزینه است. به این ترتیب،
شهرای خود را صاحب جهت اموری به شمار آورده که مجلس فاقد آن است. فلسفه اینکه
قانون اساسی محدودیت موضوع اصل ۷۵ را برای مجلس شهرای اسلامی پیش‌ینی نموده،
پیش‌گیری از بروز اخالت در برنامه‌ریزی‌های دولت ضمن بودجه سالانه‌ای است که خود مجلس
آن را به تصویب رسانده و بديهي است که برخورداری شهرای عالی انقلاب فرهنگی از حقیه که
مجلس فاقد آن است، می‌تواند متهی به بروز اغتشاش در کار دولت گردد.

نمونه دوم: شهرای عالی انقلاب فرهنگی ضمن مصوبه مورخ ۲۸/۷/۱۳۸۲ (جلسه ۲۵) خود
تصویب نموده است که: «دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مجازند و روغی را
که به عنوان هدف یا کمک‌های بلااعوض از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی در اختیارشان نهاده
می‌شود، وزیر نظر رئیس و معاون اداری و مالی دانشگاه یا هر گونه چنین شد».

شهرای در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۶ (جلسه ۳۵۰) مجدداً مصوبه‌ای راجع به دریافت وجه بلااعوض
توسط وزارت اخلاقیاتی از اشخاص حقیقی یا حقوقی به تصویب رسانده است. این مصوبات نافذ
اصل ۸۰ قانون اساسی است، زیرا به موجب این اصل گرانت کمک‌های بلااعوض از طرف دولت
بايد با تصويب مجلس شورای اسلامی و در مواردی باشد که مجلس دریافت جنین کمک‌هایی را تجوزی نموده، و ضمناً مقرر نموده که این کمک‌ها به حساب‌های ویژه‌ای که متعلق به خزانه است، واریز گردد و از آن طریق به نهاد ذی‌ربط پرداخت گردد. از سوی دیگر، مجلس از صدور حکم کلی مشابه شوراکه وزارت‌خانه‌ها به طور کلی مجاز به دریافت جنین کمک‌های بلافاصله به شمار آینده، احترام نموده و با توجه به ماهیت وظایف یک وزارت‌خانه مبادرت به تصویب آن نموده است؛ حال اینکه شورا ضمن مصوبه مورخ ۱۴۸۸/۹/۶ خود مقرر نموده‌ه‌است وزارت‌خانه‌ها و مراکز و مؤسسات فرهنگی و آموزشی می‌توانند راه‌هایی را که به طور بلافاصله از طرف اشخاص حقیقی یا حاکمی به ایشان (آنها) اهدای می‌شود، فقط برای مصارف آموزشی و فرهنگی و تحقیدات و هنری دریافت نمایند. و به این ترتیب، علائم بر کلیه وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات فرهنگی و آموزشی را نیز مافوق به دریافت این وجه نموده است. به این ترتیب، شورا با حذف لزوم واریز این وجه به حساب خزانه، نظارت بر هزینه نمودن آنها توسط دولت محاسبات یا سازمان بازرگانی کل کشور را نمایند و از سوی دیگر، اصل ۸۰ قانون اساسی را نقض نموده است.

نمونه سوم: شورا عالی انقلاب فرهنگی ضمن مصوبه مورخ ۱۳۶۵/۹/۱۰ (جلسه ۱۰۰)

 تصویب نموده است که:

نظر به اینکه در جریان امور شورای عالی مواردی پیش می‌آید که شورای مشترک کمیسیون‌های ۱ و ۲ شورای عالی (مرکب از پاره‌های اعضای شورای عالی) می‌تواند به جای شورای عالی مواردی مذکور را بررسی و اخذ تصمیم نماید، لذا به ریاست مجمع شورای عالی انقلاب فرهنگی اختیار داده می‌شود که بررسی تشخیص خود موارد مذکور را جهت بررسی و اخذ تصمیم نهایی به شورای مشترک کمیسیون‌های ۱ و ۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی احاله

فرمانند.

به این ترتیب، شورا آثار موضوع پاسخ یا پاسخ‌های امام(ره) داری بر ترتیب اثر داده به مصوبات شورا را به شورای مشترک کمیسیون‌ها تسری داده و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی را نماید مسئول ساخته که علائم بر مصوبات شورا، مصوبات شورای مشترک کمیسیون‌ها را نیز به چاپ برساند. مفهوم این مصوبه می‌تواند این باشد که هن تها مصوبات شورا را با این بابت قانون بر شرایط بکه مصوبات شورای مشترک کمیسیون‌های ۱ و ۲ ین در صورتی که رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی به تشخیص خود موردی را جهت بررسی و اخذ تصمیم به شورای مشترک مزبور احاله نموده
باشند، تصمیم نهایی محصور خواهد شد و بالاتر در حکم قانون به شمار خواده آمد. با این مصرف، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شایعه برای خود قانون گردید که مجلس شورای اسلامی فاقد آن است، زیرا به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص وی را تا یک کدک و نتیجه این شان در حد تفويض اختیار به کمیسیون‌های داخلی مجلس در اختیار تصویب قوانین آزمایشی را به هیأت وزیران در اختیار تصویب اساسنامه‌های سازمان‌های دولتی محدود شده است. چنین شائعه رای ناچیز خود مجلس به خود تفويض نکرد، بلکه مجلس خبرگان راجع به موجب اصل فوقالعاده مجلس به مجلس داده‌اند؛ حال آنکه شورای عالی انقلاب فرهنگی به موجب مصوبه فوقالعاده اجتناب اتخاذ تصمیمات نهایی را در اختیار مسائلی که رئیس شورا تشریح می‌دهد، به شورای مشترک کمیسیون‌ها تفويض نموده و این در وضعی است که تصمیم‌های خود را در حکم قانون بر می‌شمرد.

فصل چهارم
مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و قوا، این سه گانه

مجری مانند مربیات مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی آثار بارزی در عمل نموده‌اند. سه گانه به تکلیف قانونی شان و بالاتر تضعیف اعتبار آنها به جا نهاده است. در این بخش به مصادرای این وضعیت می‌پردازیم:

مصوبات شورا و جایگاه قوا قضایی

وظیفه هسته‌ای قوا قضاییه قضاوت برای قانون است. عمل به این وظیفه ایجاد

می‌نماید که قضاوت منحصر به فرد آنچه که قابلیت اتصاف به وصف قانون را دارد، میزان قضاوت خود قرار دهد و نظر به اینکه شایعه قانون‌گذاری محصور در مجلس است، محتمل است درصد برآیند که تفسیر شورای عالی انقلاب فرهنگی از پاسخ امام(ره) به استعفای مورخ ۱۱/۶/۶۳ رییس جمهور، منبنا بر ترتیب اثر دادهن مصوبات شورا - که به موجب تفسیر مربر این مصوبات در حکم قانون برخوردار گذیده - را رابور نداشته و از اجرای آن سپر و تابند، منتکر

می‌گردد که بین برداشتی به نظم حقوقی کشور و اصول قانون اساسی مأمور است و همان گونه که درک و تحلیل گردد، پاسخ مورد اشارة امام(ره) مفید قانون به شمار آوردن مصوبات شورای
عالی انقلاب فرهنگی نیست، بنابراین، حصول چنین برداشتی از سوی قضاوت دوران از نظر نبوده و نیست. در چنین حالتی تکلیف چیست؟

ابطال مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط یکی از عمومی دیوان عدلات اداری (آرای 2/17 و 5/1/17 و شماره 81/5/17 و 81/5/17 و شماره 81/5/17) که مستند به ماده 25 قانون تشکیل دیوان عدالت اداری گردیده، مؤید صلاحیت قضاوت جهت خودداری از اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به استناد قانون 138 قانون اساسی است. بنابراین، با فرض ذکر آثار آرای فوق الذکر، این پرسش مطرح است که چه کمیتر ترکیب مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با تصمیم نامه‌های هیأت وزیران، آیا استعفاهای زیب مجموعه قوه ملی مربوط به اجرای مصوبات از مرجوع قرنمداد نموده؟ و آیا فارغ از تعارض آرای یکی از عمومی دیوان عدلات اداری با صلاحیت مصلحت هیأت وزیران و کمیته‌های مشکل از جهت وزیر که ضمن اصل 138 قانون اساسی مقرر قریده، این ژیور استقلال قوه ملی می‌باشد و به آن اصل 57 قانون اساسی نباید قبول نمی‌نماید؟

شورای عالی انقلاب فرهنگی در این قیبل موارد را حیال جز یای فرشته، بالا لازم اجرای بودن مصوبات خود و موظف نمودن سایرین به رعایت آن ندانسته است. مصوبه مورخ 80/11/6 و صورت (هشتند و سومین جلسه) نمودنی توسیع به چنین راه حیال است. مصوبه مربوط حاکی از آن است که قضاوت دیوان عدلات اداری و سازمان بازرسی کل کشور، با احکام صادره توسط یکی از مراکز گرینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی مخالفت نموده و در صدد عمل به وظیفه قانونی خود در خصوص این قیبل مصوبات برآمدند. شورا پس از مشاهده این عکس العمل ضمن مصوبه یاد شده در بالا مقرر می‌دارد:

»... احکام نهایی صادراً توسط هیأت مرکزی گرینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی براساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است، با توجه به اظهارنظر حضرت آمام امام نسبت به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، نهادهای مذکور نباید، با این مصوبات مخالفت نمایند. و احکام مذکور را مورد سؤال و ترکیب قرار دهند، به نظر می‌رسد که شورا احکام هیأت مرکزی گرینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی را حتی از جای سازمان بازرسی کل کشور - که وظیفه نظارت بر اجرای صحیح قوانین را بر عهده دارد – غیرقابل تردید برمی‌شمرد؛ حال آنکه طبق اصل 156 (بند 3) قانون اساسی این امر یعنی
قانون این تکلیف بر عهده سازمان بازرگانی کل کشور نهاد شده است. حال چنانچه دستگاه قضایی موظف حکم اجرای امواری گردد که آن را در حد قانون بررسی شمرد، حرمته قضا در معرض تهدید قرار می‌گیرد، تقدیس قانون می‌شکند، قضا در ارزش‌های مسئن خود باز می‌مانند.

و این روحیه انتیت قضایی را دچار تهدید می‌کند.

با این حال، هیأت عمومی دیوان عدلت اداری ضمن رأی شماره ۸۰/۸۰۱۳۹۹ مورخ ۱۶/۵/۷۸ مشخصات جلسات ۲۷ و ۴۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی را راجع به سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ضمن استناد به ماده ۲۵ قانون دیوان عدلت اداری و پس از کسب نظر شورای نگهبان باطل نموده است. استناد به هیأت عمومی به ماده ۲۵ می‌گذشته این هیأت، به تراجعی مصوبات شورای عالی با تصویب نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی است. رأی صادر از این زیر که به استناد اصل ۱۸۸ قانون اساسی، صدور تصویب نامه و آیین نامه محصور در صلاحیت هیأت وزیران است، می‌خواهد قرار دارد. این رأی متضمن این معناست که مصوبات شورای عالی موضوع اصل ۱۸۰ قانون اساسی است، همچنان که ضمن بند ۱ رأی دربار به همین اصل استناد شده است و بر این اساس، قضای مکلفاند از اجرای مصوبات شورای عالی که مخابره قانونی و مقررات اسلامی است، خودداری نمایند.

در عین حال، با صدور رأی فوق الذکر نهایه عمل رییس مجلس شورای اسلامی جهت عمل به تکلیف مندرج در ذیل اصل ۱۸۸ قانون اساسی نیز به عنوان یک موضوع لااقل باقی مانده و نیاز به تبیین دارد.

مصوبات شورا در جایگاه قوه مجزیه

وظیفه‌های قوه مجزیه، اجرای قانون است، به این لحاظ، رئیس جمهور (وقتی که به عنوان رئیس قوه مجزیه عمل می‌کند) و وزرا در برای مجلس مسئول محصول می‌شوند و مجلس می‌تواند آنان را به لحاظ عدم کارایی در اجرای قانون در معرض سوال قرار دهد و یا با حریب استیضاح آنان را از ادامه کار بپاید. وزرا نیز به نوبه خود در برای رئیس قوه مجزیه مسئولند و رئیس جمهور می‌تواند هر زمان آنان را از کار بپرکند نموده، دیگری را به جای هر یک از آنان بگماید.
بعا توجه به موارد فوق که محصل اصول ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ قانون اساسی است، این پرونده مطرح می‌گردد که تکلیف قوه مجریه در برابر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی چیست؟ از یک سو، شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن مصوبه مورخ ۱۵/۱۷/۶۵ (جلسه ۸۸) مصوبات، خود را در حکم قانون برمی‌شمرد و از سوی دیگر، دستگاه‌های اجرایی در برابر رئیس جمهور و مجلس مسئولند، نه در برابر شورای عالی انقلاب فرهنگی. حال این تردید مطرح می‌گردد که ضمانات اجرای تعلیل وزرا در اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی چیست؟ شایان ذکر است که شورا ضمن مصوبات خود دستگاه‌های اجرا کنندهٔ آن را نیز تعیین می‌کند و مصوبات خود را به آنها جهت اجرای ابلاغ می‌نماید. همچنین به انتخاب مورد ضمن مصوبات خود تکلیف اجرا را به وزیر و سپس اقدام‌ها می‌نماید. برای مثال، شورا ضمن مصوبه مورخ ۱۲/۱/۶۷ (یکصد و هشتمین جلسه) خود وزیر بهداشت و درمان را مسئول نموده که بکی از معاونان خود را به عضویت شورای عالی برنام‌های مصوبه‌ای منصوب نماید. حال این پرونده قابل طرح است که اگر وزیر مورد خطاب از اجرای این مصوبه انتخاب نمود، آیا رئیس جمهور می‌تواند یا قاضی برکنار نماید؟ و یا می‌تواند وزیر مربوطه از اجرای مصوبه مزبور انتخاب نمود و رئیس جمهور نیز با سکوت خود عمل اورا تأیید کرد. آیا مجلس می‌تواند وزیر مربوطه و رئیس جمهور را در معرض سؤال و استیضاح قرار دهد؟

اگر مصوبات شورای عالی در حکم قانون بدانند، پاسخ این پرونده مثبت است و در این صورت قوه مجریه در معرض قرار می‌گیرد.

با این حال، همان گونه که ذکر شد، با توجه به اینکه هیاته‌ی عمومی دیوان عدالت اداری ضمن رأی سابق نظر خود به حفظ استناد به ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را در حکم تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولتی بر شرط معرفت است، یافته‌های این مصوبات در برابر وزارت‌بانوان و سایر نهادهای دولتی از همان ابهام و سردیگری پرخوردار خواهد بود. زیرا:

اواکا: مصوبات شورای عالی به حفظ تردید آنها با تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولتی می‌تواند مورد حق و تکلیف برای مورد گردد.

ثانیا: وزارت‌بانوان و سایر نهادهای دولتی باید قرن صدور آیین نامه، مصوبات شورای عالی را لحاظ نموده، لذا وکالت آنها خودداری کنند، ولی سلسله مراتب این قبل مصوبات مبهم‌دوش
جایگاه قانونی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرتبته مصوبات آن

کرمان

مصوبات شورا در جایگاه قوة مقننه

فراغ از اینکه شان قانون‌نگاری محصور در قوة مقتنه است و جنایت مصوبات شورا را همعرض قانون‌بندان‌ها، این حصر محدودش می‌گذارد. این جنایت تضعیف قوة مقتنه را به پار می‌نشاند، چنان‌که این مصوبات شورا می‌تواند در عمل قوه مقتنه را در ایفای تکلیف خود نانون سازد. برای مثال، رئیس قوه مقتنه در اجرای پاراگراف انتهایی اصل 138 می‌تواند در صورتی که تصویب نامه‌ها و آین نامه‌ها دولت را بر خلاف قوانین بداند، آنها را با ذکر و رای تجدیدنظر به می‌آید و وزیران به آنها می‌آید. این وضعیت مسالمتی جنگ رامتر می‌سازد. از جمله اینکه در صورتی که آین نامه‌ها دولت در اجرای مصوبات شورای عالی صادر شده باشد و این مصوبات احیا می‌گردد با قوانین مجلس باشد، آیا رئیس مجلس می‌تواند در اجرای اختیارات حاصله از این اصل 138 را به دلیل معرفت این آین نامه‌ها با قانون، آنها را جهت تجدیدنظر به وزیران پارگزدند؟ دو بر از صورتی بروز این وضعیت، آیا هیأت وزیران مکلف به تجدیدنظر و تأمین نظر رئیس مجلس خواهد بود، یا موظف به عمل طبق مصوبه شورای علی؟ آیا هیأت وزیران مکلف به مطلع نمودن رئیس مجلس از آین نامه‌های خواهد بود که در اجرای مصوبات شورا وضع می‌نماید؟ آیا یکینه در خصوص این قبیل آین نامه‌ها تکلیف موضوع ذیل اصل 138 از با جهت وزیران ساقط است؟

رای سابق الذکر هیأت عمومی دیوان عدلت اداری مبنی بر ترداد مصوبات شورای عالی با تصویب نامه‌ها و آین نامه‌های دولتی، این مشکل را از جایگی طرح می‌کند، ولی تکلیف رئیس مجلس شورای اسلامی را جهت عمل به تکلیف فوق دربار مصوبات شورای عالی انتقال شده و مقرر می‌سازد.

همچنین یکی از اختیارات مجلس شورای اسلامی نظارت مالی بر هر یک نمودن بودجه کل کشور است. این نظارت بر اساس قانون محاسبات عمومی و از طریق دیوان محاسبات کشور صورت می‌بپرده که به موجب اصل 54 قانون اساسی وزیرنظر مجلس عمل می‌کند. از سویی دیگر، به موجب اصل 53 همان قانون کلیه دریافت‌های دولت در حسابهای خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همگی پرداخته در حدود اختیارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. حال جنایت
شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن مصوبات خود، شمول قانون محاسبات عمومی بر ناحیه هزینه بخشی از بودجه کل کشور را در یک دستگاه اجرایی متفاوت نماید، و واقع مجلس را در اجرای نظارت مالی خود با مشکل مواجه می‌سازد. زیرا به موجب ماده ۹۳ قانون مربوط در صورتی که بر اساس گواهی خلاف واقع دیجنبس نسبت به تأمین اعتبار و با اقدام یا دستور وزیر یا رئیس مؤسسه دولتی با مقامات مجاز از طرف آنها زاندبر اعتبار مصوب و یا برخلاف قانون وجه برداخت یا تعهدی علیه دولت امضای شود هر یک از این تخلفات در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی محسوب خواهد شد.

و چنانچه جرم موضوع این ماده؛ یعنی تصرف غیرقانونی در اموال دولتی به استناد یکی از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت پذیرد، پیشنهادی به علت برخورداری از علل موجهه جرم، وصف مجریت خود را از دست خواهد داد و دادسرای دیوان محاسبات نمی‌تواند در جنابی وضعیت الکدام به صورت کیفر خواستناامی و به این ترتیب، جماهیر مجلس در این قبیل موارد کم‌مگ‌گری از جمله مواردی که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی شمول قانون محاسبات عمومی را بر مصداق خود منتفی نموده، ماده ۹ قانون تشکیل می‌آید است. دانشگاههای مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی است که در جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳ مورخ ۹۸/۷/۱۲ به تصویب شورای رسیده و مقرراً دارد. اُمور مالی و معاوضات جریان مقررات ممکن مصوب و آموزش عالی نمایندگان دولتی و سایر قوانین مربوط به مؤسسات دولتی نخواهد بود. همچنین ماده واحده در باره تأمین هزینه‌ها برای ارزشی از ارزشی رسیداری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و بورجستیه‌ها مربوط به مصوب مورخ ۳۰/۶/۷۵ (جلسة ۱۲۱) نیز از مصايد این وصیت است. ضمن این ماده واحده این هزینه‌ها خارج از شمول قانون محاسبات عمومی قلمداد دریدیده است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی همچنین ضمن مصوبه مورخ ۱۱/۶/۷۵ (جلسة ۸۳) خود کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی را که به موجب اصل مزبور مرجع رسیدگی به شکایات مردم از طرح کار فوایدیکه است، مسئول نموده که احکام نهایی صادر شده توسط هیأت مركزي آنلیسی و کمیته مركزي انضباطی را مورد سوال و تریبی قرار دهد؛ حال آنکه کمیسیون مزبور به موجب همان اصل مسئول گردیده که به شکایات و اصلی از طرف کار
مجلس یا قوه مجرهی با قوّه قضاییه رسیدگی نموده، باشک کافی نموده. این تکلیف از سوی قوه مؤسسه -که خالق قانون اساسی است - به وثیقه کمیسیون اصل ۹۰ میلیون دلاری است؛ به این معنی که حتی از طریق وضع قانون نمی‌توان صلاحیت‌های کمیسیون را سلب نمود. حال در صورتی که هیأت موسسه گریش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی احکامی از غیر حق صادرا نشان می‌دهد و مردم در اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی این گونه احکام را به کمیسیون متعکس نمایند، کمیسیون موضوع است به این شکایات رسیدگی نموده و در مدت مناسب نیز نتیجه‌ای اعلام نماید. متناقص می‌گردد که به موجب ماده ۴۴ آیین‌نامه داخلی مجلس، همه وزرای ایالتی و ادارات و سازمان‌های وابسته به نهادهای انقلابی و مؤسساتی که به نحوی از آن‌ها به پیوسته از قوای سگانه مربوطند، مشمول صلاحیت‌های کمیسیون اصل ۹۰ قرار گرفته‌اند. با این‌گونه نتیجه‌گیری کمیسیون با اصل ۹۰ قانون اساسی و ماده ۴۴ آیین‌نامه داخلی از یک سو و مصوبه مورخ ۶/۱۱/۵۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی از دیگر سوچی خواهد بود؟
فصل پنجم:
عدل شورای عالی انقلاب فرهنگی از حدود صلاحیت‌های تعیین شده
یکی از مخاطراتی که نظم عمومی جامعه را - که از طریق قانون تامین شده و می‌شود - به‌نفع می‌کند، ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به موضوعاتی که به مطابقت قانون از نظر ازبین شده و مجلس از نظر ازبین شده و مجلس از نظر ازبین شده. در این صورت، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی در عرض یک‌دیگر قرار خواهد گرفت و شورای عالی خواهد نوشت، مجلس را فلج سازد و عمل‌های معطل را کند. در این‌راستا، اولین پرسشی که طرح می‌گردد، این است که حدود صلاحیت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی چیست و چگونه تعیین می‌گردد؟
پاسخ به‌دین گونه است که، حدود صلاحیت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط خود شورا در جلسات ۸/۹ و ۱۲ با عنوان اهداف و وظایف معین گردیده است. اهداف شورا در جلسه ۲۹/۲۸ مورخ ۱۳۷۱ مورد بازنگری قرار گرفت. محورهای اهداف و وظایف که شورا خود تعیین نموده، محصور در مسائل فرهنگی است و اهداف آن شامل اموری است از قبیل: گسترش و تقویت فرهنگ اسلامی در شورای جامعه، تکمیل می‌بینی‌های علمی و فرهنگی، انتخاب دانشگاه‌ها برایاساس لفظی فرهنگ صبحی اسلامی و تعیین سوابق و اثر آثار فرهنگ انقلاب اسلامی و وظایف آن نیز شامل اموری، مانند: تدوین اصول سیاست فرهنگی نظام حکومت‌الملی و
فرهنگی، تصویب ضوابط جهت گزینش مدیران، استادان و... و تأیید نامزدهای معرفی شده توسط وزیر فرهنگ و آموزش عالی برای تصدی ریاست دانشگاهها و موارد دیگر است. به‌هرحال، توجهی مطلوبی به اهداف و وظایفی که شورای برای خود معین نموده، محدوده عملکرد آن را ناشان می‌دهد.

حال می‌توان این پرسش را مطرح نمود که آیا شورا می‌تواند محدوده‌ای را که خود تعیین نموده، نادیده بگیرد و در پایان مسائل اتخاذ تصمیم نماید که با امور فوق مرتبط نباشند؟ این الاصول پایای این پرسش منفی است، زیرا همان گونه که پیش از این توضیح داده شد، تأسیس شورا براساس فرم‌های صادق شده، توسط حضرت امام (ره) بوده و بین می‌تواند همان فرم‌های فلسفه تأسیس شورا نیز لحاظ شده، بنابراین شورا نمی‌تواند به آمور پیردازد که با فلسفه تأسیس آن بیگانه باشد. همچنین اگر شورا به‌خواه برحلاف فلسفه تأسیس خود عمل کند، حداکثر باید ابتدا در اهداف و وظایفی که خود معین کرده است، دست برده، آنها را تغییر دهد و پس از آن با درنظر گرفتن محدوده تعیین شده جدید آن را به تصویب برساند.

با این حال، متأسفانه شورای اسلامی عمومی پرداخته و در پایان آن مصوبه صادرا نموده است که نه تفاوت با فلسفه و علت تأسیس آن همسوی ندارد، بلکه عکاسی شورای عالی انتقال فرهنگی را به صورت رقیب مجلس شورای اسلامی معرفی نموده است. برای مثال، شورا در جلسه 357 خورشیدی در تاریخ 31/5/74 شمول قانون کار مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام را در معرض تصمیم گرفتن داده است، متن مصوبه شرح زیر است:

"رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در مورد متون کار در رئیس دیوان عدلیت اداری دریافت مقررات استعملی کارکنان و اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و لزوم عدم شمول قانون کار برای آنان گزارش ارائه نمود. شورای عالی انتقال فرهنگی پس از بحث این متن را تصویب کرد تا به بنده ماده 12 اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی (موضوع مصوبه 1325/دش مورخ 8/9/69 شورای عالی) افزوده شود:

"اعضای هیأت علمی و کارکنان اداری دانشگاه مشمول قانون کار نمی‌شوند:

مصوبه فوق للذکر قانون کار را در معرض تخصصی تزار داده است. حال آنکه شمول با عدم شمول قانون کار بر کارکنان اداری دانشگاه آزاد چه گونه ارتباطی با اهداف و وظایف شورای عالی انتقال فرهنگی ندارد. در خصوص بیگانه بودن این مصوبه با فلسفه و دلیل رجوعی..."
شروح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و دیوان عدالت اداری رئیس اصلی قانون اساسی است. همچنین انتخاب رئیس و اهداف انتقال فرهنگی دارای بر اساس قانون اساسی است، چنان‌که موضوعی متعلق به جز تایید نقض قانون اساسی توسط اشخاص فوق الذکر نمی‌دهد و چنان اعمال قانون اساسی را بهبود بی‌حرمتی می‌نماید.

درم: شمول یا عدم شمول قانون کار به کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی، چه ارتباط با اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد؟

سوم: براساس بند «ح» ماده 12 اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی به خود شورا، رابه تصویب رسیده‌ای، تصویب مقررات استخدادی کارکنان دانشگاه، از جمله اعضای هیأت علمی بر عهده هیأت امنای دانشگاه است. حال این سؤال مطرح می‌گردد که آیا هیأت امنای دانشگاه می‌توانسته کارکنان دانشگاه را از شمول قانون کار مستندی سازد؟ واقع اری این است که هیأت امنای دانشگاه آزاد پیش از صدور مصوبه فوق توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، چنان امر خلاف قانونی را تصویب نموده بود و وزیر کار امور اجتماعی نیز ضمن صحبت به‌نها نبود بر این امر خلاف قانون ضمن بخش‌نامه‌ای (به شماره ۵۴۶۵۵ - ۲۴ / ۳ / ۱ / ۱۷) اجرای آن را به‌هیأت تشخیص و حل اختلافات کار و امور اجتماعی ابلاغ نموده بود، لیکن هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ضمن رأی وحدت روبه شماره ۱۸۸ - ۱۱ / ۲۷ این بخش‌نامه‌ها را ابطال نمود. در مقدمه این رأی به تعلق از شاکی آمد است:

«با اینکه به موجب ماده ۱۸۸ قانون کار در تمام مؤسساتی که قانون استخراجی خاصی ندارد، حکومت قانون کار محترع و مسلم است، متأسفانه در دانشگاه آزاد اسلامی این حاکمیت لغو شده است. استفاده وزارت کار و امور اجتماعی به فرمان حضرت امام (ره) را حتی اقرار پذیریم که این فرمان کلیه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را تمام زمانها شامل می‌شود پای به این»
معنی نیست که مصوبات‌های منتشر امناتی دانشگاه آزاد در امری به این اهمیت، مشمول این
فرمان کرده... ۱

همان گونه که ملاحظه می‌شود، هیأت امناتی دانشگاه آزاد نیز به استناد پاسخ مورخ ۶/۱۱/
۳۳ امام(ره) مصوبه صادرونه اسمت. وزارت کار و امور اجتماعی در مقام دفاع از بخشانه‌ای
که براساس مصوبه هیأت امناتی دانشگاه صادرونه اسمت، ضمن استناد به پاسخ فوق ذکر بیان نموده:
۵... مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی بنابر فرمان مورخ ۶/۱۲/۳۳ حضرت امام(ره) لازم
الاجرا بوده و دارای اعتبار قانونی می‌باشد... متأسفانه با یاد توجه داشته که عبارت "دارای اعتبار
قانونی می‌باشد..." در پاسخ امام(ره) فید نگرده است و این گونه دخالت و تصرف در کناره‌های
امام(ره) که دارای اهمیت تبعین کننده است، آن هم از سوی وزارتخاریه دولتی محل تأمل بسیار
است.

به هر حال، هیأت عمومی دیوان عدلات اداری بخشانه‌ی ازد شرایط وزارت کار و امور
اجتماعی را به ترتیب زیر ابطال نمود:

فقط ماده ۱۵۷ قانون کار مصوب آبانماه ۱۳۶۹ رسیدگی به هرگونه اختلافات فردی بین
کارفرما و کارگر با کارآموز ناشی از اجرای قانون کار و سایر مقررات مربوط به کار و صدور رأی
مقضیت نسبت به آن در صلاحیت هیئت تشخیص و حیثیت حاصل کارگر و کارفرما قرار
دارد... به خشانه شماره ۱۳۶۵۵ مورخ ۱۳/۰۳/۷۱ وزارت کار و امور اجتماعی مبتنی بر عدم
شمول قانون کار به کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی... به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان
عدالت اداری مصوب ۴/۱۱/۳۳۰۰ ابطال می‌گردد.

با تصویب رأی و راه‌هادی فوق الذکر عدمصلاحیت هیأت امناتی دانشگاه آزاد جهت
 تصویب مقررات استخوان کارکنان دانشگاه که براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به
هیأت موزون اختضا بوده، مسجل گردید. با این رفض شورای عالی در جلسه مورخ ۱۱/۱۱/
۳۳ خورشید (جلسه ۱۳۴۶) به پیشنهاد رئیس دانشگاه آزاد مصیب به این شرح به تصویب رسیده:
۵... بنده جز از ماده ۱۲ اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی... به دلیل ابهام که برای بعضی از مراجع
پیش آمده، مطرح شد و پس از بحث، شورای عالی ماده و بنده مزبور را همچنان تأیید کردند.

۱. رأی و راه‌هادی فوق ذکر و مقدمه آن در روزنامه رسماً جمهوری اسلامی ایران منتشر و به اطلاع عموم
رسانده شده است.
جمع بين رأی وحدت یهیا عمومی دیوان عدلاد اداری و مصوبه میزور میسر نیست، زیرا یهیا عمومی به استناد قانون مصوب مجلس، کارکنان دانشگاه آزاد را مشمول قانون کار به شمار می‌آورد و رئیس دانشگاه آزاد به استناد مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی کارکنان دانشگاه را مشمول قانون کار قبلاً وارد. در این وضعیت تکلیف چیست؟ دانمارا تنها پوزو و شورای عالی انقلاب فرهنگی از سوی دیگر در خصوص دانمارا مشمول قانون کار تا کجا می‌آید؟

به‌حال صاحب، مصوبه مورخ ۱۳۵۱/۵/۲۴ (جلسة ۲۳۵) شورای عالی انقلاب فرهنگی که بر انجام مذاکرات بین رئیس دانشگاه آزاد و رئیس دیوان عدلاد اداری دلارت دارد، حاکی از آن است که رؤسای دانشگاه و دیوان عدلاد با یکدیگر مذاکرات داشته‌اند و شورای عالی هم پس از استماع گزارش این مذاکرات به رئیس دیوان عدلاد، آزاد را مشمول قانون کار خارج نموده است، و در عمل نیز قبلاً وضعیت فوق را به رعایت و نمایش داشته و کارکنان دانشگاه آزاد را جماهیر قانون کار محروم ساخته است. نه تنها تلاش‌ها مورد قوه مقهنه می‌ماند.

وضعیت اسفبار فوق الذکر که در عین حال ناقص اصول متعدد قانون اساسی است، باعث شد که ده‌ها نظر عمومی جامعه که باید در پنجه قانون تحصیل گردد و از آن پاسداری به عمل آید، چطور ممکن است براحتی در معرض تهدید نزدیک‌گردد. رأی شماره ۱۳۵۱/۵/۱۷۲/۱۳۸۱ خیاط عمومی دیوان عدلاد اداری نیز می‌باشد.

ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به حیطة صالحی حقوق مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است. یهیا عمومی ضمن این را، با ابطال مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی راجع به سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، با دیگری از یک سو در حکم قانون بودن مصوبات شورای عالی را مورد را و بر سوی دیگر، نظر به ترداد بین مصوبات مزبور به تصویب نامه‌ها و آین نامه‌های دولتی صادراً مجید است. همان‌گونه که ذکر شد رأی صادره از این جهت که مرخص تصویر صبور این قبیل تصویب‌نامه‌ها و آین نامه‌ها یهیا رئیس وزیران است و حتی مصوبات‌مانزدهان ویژه‌رئیس جمهور (موضوع اصل ۱۷۷ قانون اساسی) نیز صرفاً (تصمیم) شمرده می‌شوند و نه تصویب نامه، محل ایراد است. به‌دیگری این است که یهیا عمومی دیوان عدلاد اداری نیز نشان حصر قانونی مقرر قانون اساسی را مخدوش نماید و عبارت ذیل اصل ۱۲۷ مبنی بر ... تصمیمات‌مانزدها ویژه رئیس جمهور و
پایان سخن:
هدف از تحریک این نوشته به تأمین نهادان این مسئول بود:

۱ - با توجه به متن اعلامیه‌ها و فرمان‌هایی که منتشر که تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و پس از آن شورای عالی انقلاب فرهنگی شد، آیا می‌توان این نهاد را یک نهاد مانند کارگاه شمار آورد؟

۲ - با توجه به اینکه: اول‌اً به موجب ماده واحدی تعیین و ضمیمه استفاده می‌کنیم که کارکنان شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب استاندارد ۷۵ شمول قانون استخدام کشوری بر این کارکنان از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شده و شورای نگهبان آن را تایید نموده و ثبتنامی‌های شورای عالی از بودجه عمومی تأمین می‌گردد و به این لحاظ دیوان حسابات بر نحوه هزینه‌ها نظر ندارد، آیا تعیین جایگاه این نهاد در نظام اداری اکثریت مورد توجه گردید؟

۳ - مرتبه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در سلسله مراتب قانون‌گذاری کشور کم‌کمیسیون? آیا این مصوبات به لحاظ در حکم قانون بر شرایط آنها می‌تواند نافذ قانون اساسی با قوانین عادی قرار گیرد؟

۴ - آیا می‌توان مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را با توجه به احکام مندرج در آراه

۵ - آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند حق تصویب مصوبه را به زیر مجموعه‌ها خود نیز تقویض نماید؟

۶ - آیا رئیس جمهور می‌تواند در اجرای تکالیف ناشی از اصل ۱۱۳ قانون اساسی بر اعمال شورای عالی انقلاب فرهنگی نظرات نماید؟

۷ - آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند دانمان صلاحیت‌ها خود را امروزی که در زمره اهداف و وظایف آن شوراهد نشده و ارتباطی با مسائل فرهنگی (مثلاً تعیین دانمان شمول قانون کار) نیز ندارد، تسویه دهد و از این زاویه قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی را نقض نماید؟

۸ - فرمان مورخ ۶ اسفند ۱۳۴۶ امام خمینی (ره) شورای عالی انقلاب فرهنگی را واجد چه
جایگاه قانونی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبه مصوبات آن

صلاحیت‌هایی بر شماره است؟

۹- آیا سازمان بازرسی کل کشور در اجرا و اجرای وظایف ناشی از اصل ۱۷۴، دیوان عدلت اداری در اجرا و اصل ۱۷۳، و کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی در اجرا و اصل ۹۰ می‌توانند شورای عالی انقلاب فرهنگی را در معرض پرسش قرار دهند؟ و آیا قضات دادگاه‌ها می‌توانند به لحاظ عدم شمول و ضیف قانون بر مصوبات شورا و یا مغایر آنها با قانون و مقررات اسلامی از اجرا و آنها سربازی‌زنند؟

۱۰- آیا نماینده‌گان مجلس شورای اسلامی می‌توانند وزرا را به لحاظ همبستگی و مسالمه در اجرا مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی استیضاح نمایند؟

و نهایت این که:

۱۱- آیا می‌توان در باب این پیشنهاد ان‌دی‌که شورای عالی انقلاب فرهنگی به استناد تبصره‌های ۱۲۰ قانون محاسبات عمومی یک مؤسسه دولتی است و وزیر فرهنگ و آموزش عالی می‌تواند مصوبات این شورا را در هیأت وزیران مطرح سازد و به صورت لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم دارد تا در صورت تصویب توسط مجلس رأی تأیید توسط شورای نگهبان در هیأت قانون به اجرای نهاده شود.
فهرست منابع

قانون اساسی
قانون محاسبات عمومی
قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی
قانون تعيين وضعیت استخراجی کارکنان شورای عالی انقلاب فرهنگی
قانون تشکیل دیوان عدالت اداری
مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی
رآی شماره ۸۰/۸۰۰۱/۱۸/۵/۱۷ مورخ ۱۳۸۱/۱/۵/۱۷/۲۷۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
رآی وحدت روهی شماره ۱۸/۵/۱۷ مورخ ۱۳۸۲/۵/۱۷/۲۷۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
اسناد تشکیل دهندگان سنا انقلاب فرهنگی و شورای عالی انقلاب فرهنگی.